

ORIGINAL ARTICLE

مقایسه نظریه ارکان طب سنتی ایران و نظریه پنج عنصر طب سنتی چین

Comparison between the “Theory of Arkan” (Four Elements) in Traditional Persian Medicine and the “Theory of Five Elements” in Traditional Chinese Medicine

Elham Behmanesh¹, Morteza Mojahedi^{1,2}, Roshanak Saghebi^{1,2}, Mohammad Hossein Ayati³,
Hamid Reza Bahrami Taghanaki⁴, Hesameddin Allameh¹, Hosein Salmanezhad¹, Zeinab
Mahmoudpour¹, SeyyedAli Mozaffarpur^{1,2}

1- Department of Traditional Iranian Medicine, Faculty of Traditional Iranian Medicine,
Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran

2- Research centre of traditional medicine and history of medical sciences, Babol Univer-
sity of Medical Sciences, Babol, Iran

3- Department of Traditional Iranian Medicine, Faculty of Traditional Iranian Medicine,
Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

4- Department of Traditional Chinese Medicine, Faculty of Traditional Iranian Medicine,
Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Correspondence: Seyyed Ali Mozaffarpur, Babol University of Medical Sciences, Faculty
of Traditional Iranian Medicine; seyzedali1357@gmail.com

Abstract

Traditional medicines, according to the World Health Organization, are defined as “the sum total of the knowledge, skill, and practices based on the beliefs, theories, and experiences indigenous to different cultures that are based and developed historically. Due to the increasing uses of traditional medicines worldwide, it seems that cognition of their principles and foundations are necessary.” The two important schools of Traditional Persian Medicine (TPM) and Traditional Chinese Medicine (TCM) have many similar concepts; one of the most fundamental is the theory of Arkan in TPM and theory of five elements in TCM.

This is a review study, which extracted, classified and compared related concepts in TPM and TCM, conducted on original sources. To use the experience of other researchers and

الهام بهمنش^۱

مرتضی مجاهدی^{۱،۲}

روشنک ثاقبی^{۱،۲}

محمد حسین آیتی^۳

حمید رضا بهرامی طاقانکی^۴

زینب محمودپور^۱

حسام الدین علامه^۱

حسین سلمان نژاد^۱

سید علی مظفرپور^{۱،۲}

۱- گروه طب سنتی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم

پزشکی بابل، بابل، ایران

۲- مرکز تحقیقات طب سنتی و تاریخ علوم پزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

۳- گروه طب سنتی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم

پزشکی تهران، تهران، ایران

۴- گروه طب چینی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

نویسنده مسئول: سید علی مظفرپور، دانشکده طب سنتی،

دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

seyyedali1357@gmail.com



to find published articles in this regard, the Web databases SID, Magiran, Iranmedex, Google scholar, Pubmed and Embase were searched.

The results are categorized under 12 categories. Generally, although there are considerable similarities between theory and functions of Arkan in TPM and theory of five elements in TCM, there are differences between the basic principles and the outcomes of these two theories. The comparison between these two theories shows that although they derive from similar theoretical and philosophical origins, that TPM arises from a monotheistic (not necessarily Islamic) viewpoint while TCM comes mostly from a metaphysical point of view. Furthermore, there are four principles in TPM but five in TCM.

In addition, principles in TCM and TPM differ as follows: while in the former, the principles (having interactions in a dynamic process) are assumed to be directly related to phenomena, in the latter, they are explained with the mediated concept of "Mizaj".

Key words: Traditional Persian Medicine, Traditional Chinese medicine, Arkan Theory, Five Elements Theory

Received: 8 Dec 2014; Accepted: 5 Mar 2015; Online published: 8 May 2015

Research on History of Medicine/ 2015 May; 4(2): 73-86

1- Posadzki, 2012: 505-512.

2- Cooper, 2013: 112-114.

3- Harris, 2014: 214-220.

4- Xue, 2008: 16-20.

5- "WHO traditional medicine",

2014: 25-30.

خلاصه مقاله

طب سنتی با استناد به تعریف سازمان جهانی بهداشت مجموعه ای از علوم، آگاهی ها و مهارت های پیشینیان است که بر پایه تئوری، عقاید و تجربیات بومی تمدن های مختلف در طول تاریخ بنا نهاده شده است. به علت گسترش روزافزون استفاده از مکاتب طب سنتی در سراسر دنیا، شناخت دقیق مبانی و اصول آنها ضروری به نظر می رسد. دو مکتب مهم طب سنتی ایران و چین در بسیاری از مفاهیم اشتراکاتی دارند که یکی از بنیادی ترین آنها، نظریه ارکان (در طب سنتی ایران) و پنج عنصر (در طب چینی) می باشد.

این مطالعه از نوع مروری بوده و نکات مربوطه با استفاده از منابع اصیل طب سنتی ایرانی و چینی استخراج، دسته بندی و با هم مقایسه شده است. برای استفاده از تجربیات محققین دیگر که در این زمینه ارائه نظر کرده اند و نیز یافتن مقالات منتشر شده، پایگاه های اطلاعاتی SID, Magiran, Iranmedex, Google scholar, Pubmed, Embase جستجو شد.

نتایج به دست آمده، در ۱۲ عنوان دسته بندی و ارائه گردید. به طور کلی با وجود شباهت قابل توجه نظریه ارکان طب ایرانی و پنج عنصر طب چینی و عملکرد آنها در این دو مکتب طبی، تفاوت هایی بین مبانی و نتایج این دو نظریه وجود دارد. در مقایسه بین این دو تئوری به نظر می رسد که این تئوری در هر دو مکتب طبی، خاستگاه نظری و فلسفی دارند. با این تفاوت که دیدگاه طب ایرانی توحیدی (نه الزاما اسلامی) و طب چینی بیشتر ماورائی است. تعداد ارکان در طب سنتی ایرانی چهار و در طب چینی پنج مورد است. در طب چینی هر یک از ارکان - با اینکه در فرایندی پویا بر یکدیگر اثرگذارند - مستقیما با پدیده ها مرتبط فرض می شوند، اما این روابط در طب سنتی ایرانی با مفهوم مزاج، تفسیر می شوند.

کلمات کلیدی: طب سنتی ایرانی، طب سنتی چینی، نظریه ارکان، تئوری پنج عنصر

مقدمه

بیماری و درد از نخستین همنشینان بشر بوده و انسانها همواره برای یافتن درمان و تسکین آن تلاش کرده اند. علی رغم آنکه سیستم های بهداشتی اکثر کشورهای دنیا طبق اصول پزشکی مدرن برنامه ریزی شده است، اما طب سنتی، روز به روز در بین مردم طرفداران بیشتری پیدا می کند¹⁻⁴.

طب سنتی با استناد به تعریف سازمان جهانی بهداشت مجموعه ای از علوم، آگاهی ها و مهارت های پیشینیان است که بر پایه تئوری، عقاید و تجربیات بومی تمدن های مختلف در طول تاریخ بنا نهاده شده و از آن در نگهداشتن سلامتی و پیشگیری از بیماری ها، تشخیص و درمان بیماری های جسمی و روحی استفاده شده است.⁵



هر مکتب طبی دارای تئوری، میانی و زبان مخصوص به خود می باشد، لذا برای شناخت بهتر آن مکتب، باید با مبانی و زبان دانشمندان آن آشنا شد.

طب سنتی ایرانی، مکتب طبی است که در پهنای جغرافیایی بامحوریت ایران، از مرزهای چین تا اندلس و شمال آفریقا شکل گرفت و طی قرون متمادی تکامل یافت. سابقه این مکتب طبی به دوران قبل از ظهور اسلام برمی گردد⁶، اما پس از اسلام در چارچوب عقیدتی این دین مقدس به اوج شکوفایی رسید و تا قرنهای متصدی بهداشت و درمان در مناطق بزرگی از جهان مسکون بود. رازی، علی ابن عباس اهوازی، ابن سینا، سیداسماعیل جرجانی، محمداکبر ارزانی، سید محمد حسین عقیلی خراسانی از بزرگان این مکتب طبی در طی قرون متوالی بوده اند⁷⁻⁹.

طب چینی طبق تحقیقات باستان شناسی تاریخچه ای چند هزار ساله دارد. منابع مکتوب طب چینی از حدود ۸۰۰ تا ۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به ثبت رسیده و در دسترس می باشد. این مکتب طبی، در مناطق شمالی و جنوبی رودخانه خوئی و رشته کوههای چین در سرزمین پهناور چین شکل گرفته و به عنوان یک روش پیشگیری اولیه و درمانی شناخته شده است. قدیمی ترین نوشته های موجود از طب چینی، کتاب "کانون طب داخلی امپراتور زرد" است که شامل گفتگوهای امپراتور زرد افسانه ای و وزیرش در تفسیر ارتباطات انسان و جهان پیرامونش در توضیح فیزیولوژی و پاتولوژی بدن اوست. رساله ای به نام خسارت های سرما از طبییی به نام جانگ جونگ جینگ نیز بر پایه دیدگاههای فلسفی است که از قدیمی ترین کتب موجود طب چینی می باشد¹⁰⁻¹³.

امروزه کاربرد صحیح و خردمندانه مکاتب طب سنتی می تواند مانع هدر رفتن بسیاری از منابع مالی نهادهای درمانی شود¹⁴⁻¹⁵. به نظر می رسد با گذر زمان، در هر یک از این مکاتب، قسمت هایی از روش های تشخیصی و درمانی به تدریج تقویت شده و قسمت هایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، غور در فلسفه طب سنتی ملل مختلف، گویای رابطه نزدیک بین آنها است¹⁶. لذا تطبیق و هم افزایی مبانی و روش های مورد استفاده در مکاتب مختلف طب سنتی، راهکاری جامع در راستای ارائه یک مکتب طبی تلفیقی (Integrated Medicine) می باشد.

از آنجائی که یکی از تئوری های بنیادی طب سنتی ایرانی و طب سنتی چینی، نظریه ارکان و نظریه پنج عنصر می باشد و اغلب تعاریف و عملکردهای تشخیصی و درمانی، با توجه به این مفاهیم قابل درک است. در این مقاله ما بر آن هستیم تا ضمن تشریح این تئوری در این دو مکتب طبی، مفاهیمی که با هم منطبق، مشابه یا متفاوت هستند را بیان نماییم.

مواد و روش ها

این تحقیق، مطالعه ای مروری است که نظریات حکمای طب سنتی ایران در تئوری ارکان همراه با مفاهیم تئوری عناصر در طب چینی به صورت جداگانه، بیان شده و سپس وجه تشابه یا تفاوت آنها به صورت تحلیلی بحث شده است.

از آنجا که نظریه ارکان در طب ایرانی از مباحث طبیعیات (به عنوان مقدمه علم طب) می باشد، برای نقل این نظریه، متون حکمایی انتخاب شده اند که علاوه بر طب، در این علم نیز صاحب نظر بوده اند. لذا در بیان این فرضیه از دیدگاه حکمای بزرگ طب سنتی مانند ابن سینا (در کتاب القانون فی الطب)، سید اسماعیل جرجانی (در کتاب ذخیره خوارزمشاهی)، محمداکبر ارزانی (در کتاب مفرح القلوب) و سید محمدحسین عقیلی خراسانی (در کتاب خلاصه الحکمه) استفاده شده است.

برای بیان موارد مشابه نظریه عناصر در طب چینی، از کتاب های در دسترس به زبان انگلیسی مانند فونداسیون طب چینی¹⁷ از حیوانی ماشیوشاو و طب سوزنی و موکسیاسیون چینی¹⁸، از چنگ شین نونگ استفاده شد و مقالات مرتبط در پایگاههای اطلاعاتی Google Scholar، Iranmedex، Pubmed، Magiran و embase با کلیدواژه های TMC theory و water, wood, earth, metal, fire 5 elements هر کدام با TMC و TMC foundation در زمان جستجو در دی ماه ۹۳ به عمل آمد. نظرات به دست آمده در هر کدام از این مکاتب طبی، پس از فیش برداری به صورت موضوعی دسته بندی شده و آنگاه به موارد تطبیق، تشابه یا تفاوت آنها در ذیل هر

- 6- Velayati, 1992: 23-28.
- 7- Avicenna, 2005: 10.
- 8- Aghili Khorasani, 2006: 21.
- 9- Arzani, 2007: 5.
- 10- Sivin, 1987: 126-129.
- 11- Ergil, 2011: 166.
- 12- Felt.
- 13- Sivin, 1993: 196-215.
- 14- Herman, 2005: 11.
- 15- Fischer, 2014: 46.
- 16- Patwardhan, 2005: 465-473.
- 17- Macioca, 2005: 19-40.
- 18- Xinnong, 2010: 19-26.



موضوع اشاره شده است.

یافته ها

مطالب یافت شده در مورد تئوری ارکان در طب سنتی ایران و نیز نظریه پنج عنصر طب سنتی چین، پس از جمع آوری، در ۱۲ عنوان ارائه می گردد:

۱- جایگاه و خاستگاه فکری نظریه ها

۱-۱- طب سنتی ایران

در طب سنتی ایران، با توجه به دیدگاه توحیدی به عالم و تعریفی که از انسان موجود است، تدبیر کلیه امور بدن به قوه مدبره (اصطلاحاً طبیعت بدن انسان) نسبت داده می شود. در این دیدگاه طبیعت، طیب اول و اداره کننده کلیه شئون بدن انسان می باشد. این قوه، حاکمیت خود را بر بدن انسان از طریق اموری انجام می دهد که به آن امور طبیعی می گویند. در این دیدگاه، اولین جزء از امور طبیعی، ارکان است که به نوعی ماده (و جسم) اولیه برای ایجاد همه اجسام عالم از جمله بدن انسان می باشد.

۱-۲- طب سنتی چین

در طب چینی ۵ تئوری در تداوم و تسلسلی منطقی شکل گرفته که شامل: ۱- تئوری Dao یا Tao (قطبیت بزرگ اولیه) و Yin، Yang (که تقسیم دوقطبی خلقت منبعث از قطب بزرگ می باشند و تمام هستی را در قالب این دو از ماده تا فعل تعریف می نمایند).

۲- نظریه ۵ حالت یا حوزه، که نقش تکامل در خلقت را بیان می نماید، یعنی بعد از تشکیل ماده و انرژی (و کلا افعال)، تمام موجودات تقسیم بندی حوزه ای یا کارکردی پیدا نمودند (یعنی تمام خلقت در یکی از این ۵ حوزه خاصیتی قرار می گیرند). به طور مثال چوب یا نماد گیاه، رشد را نشان می دهد. سپس آتش است که نماد انرژی و از بین برندگی است و چوب را می سوزاند که با تولید انرژی، خاکستری ایجاد می نماید که همان حالت سوم، خاک یا زمین است. این زمین در دل خود گنجینه ای را به وجود می آورد که نماد آن فلز است و حالت چهارم است و نهایتاً این سختی فلز به فرم جاری، مذاب و سیال تبدیل می شود که نماد این سیالیت در طبیعت آب است و پنجمین حالت را در تئوری پنج حوزه یا عنصر شکل می دهد.

۳- ارگانهای Zang-Fu یا تئوری اعضا بدن است و بخش متکامل تر خلقت است، یعنی در موجود زنده اعضا و جوارحی شکل می گیرند که عملکرد زندگی را معنا می بخشند.

۴- تئوری مریدین ها، یعنی شکل گیری مسیرهای حیاتی در طبیعت و انسان که انرژی را به تمام بخش های بدن می رسانند.

۵- تئوری Qi (چی یا انرژی حیاتی)، Blood و Body fluid است که نیاز به حیات را با جریان در این مسیرهای انرژی تامین مینماید^{11,12,19}.

مقایسه: به طور کلی این نظریه در هر دو مکتب طبی، ریشه ای نظری و فلسفی دارد. اگرچه این نگاه نظری در طب سنتی ایران، توحیدی و در طب چینی متافیزیکی و ماورایی است. در طب سنتی ایران، نظریه ارکان به عنوان جزئی از مفهوم طبیعت (قوه مدبره بدن) و به عنوان سبب مادی آن تعریف می شود. در طب سنتی چین نیز مفهوم پنج عنصر شامل پنج کیفیت، حالت، مرحله، عامل حرکت و فرایندی است که تمام پدیده های هستی از آنها به وجود آمده اند. به این معنی که چینی ها پدیده های گوناگون را به پنج عنصر نسبت می دادند و بر این اساس یک ارتباط پیچیده بین بدن انسان و محیط پیرامونش قائل شده اند و در واقع این نظریه بخشی از ارکان طب چینی محسوب می شود.

۲- تعریف

۱-۲- طب سنتی ایران

طبق تعریف در این مکتب، عالم ماده از چهار عنصر بسیط که به غیر از خود تجزیه نمی شوند، تشکیل شده است و کل عالم ماده با ترکیب های گوناگونی از این عناصر به وجود آمده اند. در طب سنتی ایران اعتقاد بر این است که این عناصر به صورت مفرد در طبیعت موجود نیستند، بلکه به صورت ترکیب، قابلیت وجود



پیدا می کنند. به عنوان مثال، خاک ظاهری، خود دارای ترکیبات مختلف بوده و به مواد گوناگونی مثل آهن، روی، مس و غیره تجزیه می شود. بنابراین از همین اصل می توان دریافت که نیرویی همواره این چهار عنصر را در جهت ترکیب با یکدیگر، در کنار هم و به شکلی آمیخته و ممزوج قرار می دهد، به شکلی که هیچگاه به صورت مجزا در طبیعت یافت نمی گردند و آنها را عناصر اربعه نیز می نامند⁹⁻⁷.

۲-۲- طب سنتی چین

تئوری پنج عنصر در این مکتب طبی، تصویری از فیزیولوژی بدن و علوم طبیعی است که بر پایه رابطه اسرار آمیز این دو استوار بوده و بیانگر تشکیل تمام پدیده ها از پنج حالت کیفی است. بر اساس این تئوری فیزیولوژی، پاتولوژی، تشخیص و درمان در طب چینی شکل می گیرد. پنج عنصر را در طب چینی پنج شینگ (xing) هم می نامند. منظور از شینگ فرایند و تأثیر یک چیز بر چیز دیگر است و عبارت است از فرایندهایی که در چرخه های بنیادی طبیعت و در نتیجه بدن انسان برقرار است. بین عناصر رابطه ای دینامیک برقرار است به طوری که سلامت انسان مشروط به وضعیت پایای آن است. هر گونه بی ثباتی موقت آن منجر به ایجاد حالت پاتولوژیک (sub healthy) گردیده و ناپایداری و تزلزل آن، بیماری را پدید می آورد^{11،12،19}.

مقایسه: در طب ایرانی در تعریف عناصر به اجسام بسیط حاوی کیفیت هایی اشاره شده که زیربنای عالم و خلقت موجودات بر آنها نهاده شده است. در طب چینی این تعریف با یک حالت پویا (و نه عنصری) بیان شده و آنها نماد تمام پدیده های طبیعت قلمداد شده اند. در طب چینی به مفهوم بسیط بودن اشاره نشده است. با این حال در هر دو تأکید شده است که این عناصر به صورت خالص، در طبیعت وجود ندارند.

۳- واژه های مرتبط

۱-۳- طب سنتی ایران

این مفهوم و تئوری در طب سنتی ایران، به اسامی مختلفی از قبیل ارکان (جمع رکن)، عناصر (جمع عنصر)، اسطقسات (جمع اسطقس)، نامیده شده است⁹. نامگذاری این عناصر نیز در طب سنتی ایران به این علت انجام شده است که بیشترین شباهت را با موارد ملموس با آن دارند (مثلا آتش عنصری با آتش).

۲-۳- طب سنتی چین

در طب چینی این تئوری با عنوان اصل وو-شینگ (wu-xing) حالات پنج گانه شناخته می شود. البته این اصل معانی وسیع تری دارد و به معنی پنج نوع حرکت، پنج نوع تغییر و تحول و بالاخره پنج نوع وضعیت مادی به شمار می رود. بر طبق این نظریه تمام پدیده های دنیا با این پنج حالت مرتبطند و این عناصر هم همواره در حال حرکت یکنواخت و تغییر هستند. خود این پنج عنصر نیز به هم مرتبطند و قابل جدا شدن از هم نیستند¹⁰.

مقایسه: نظریه ارکان، در طب سنتی ایران مفهومی مستقل بوده و با اسامی مختلف نامیده می شود. ولی تئوری پنج عنصر در طب چینی در ارتباط با موارد مرتبط با آن، تعریف و معنی می شود و در توالی و تسلسل با سایر تئوری های پنج گانه مبانی طب چینی است.

۴- تعداد و نام

در طب سنتی ایران ارکان چهار تا می باشند که شامل آتش، هوا، آب، خاک می باشد⁷. اما در طب چینی به پنج حالت معتقدند که شامل چوب، آتش، خاک، فلز و آب است¹².

۵- کیفیات

۱-۵- طب سنتی ایران

در این طب، برای هر کدام از ارکان، کیفیتهایی قائلند. مفهوم کیفیت در



ارکان از دیدگاه طب سنتی ایران این است که هر کدام نماد یک دسته خصوصیات هستند. مثلاً هوا مظهر روانی و سیالیت و خاک مظهر سختی و میل به مرکز است. توضیح اینکه یکی از روش های دسته بندی در جهان آفرینش، توجه به کیفیت موجودات است. کیفیات به دو دسته مشترک و غیر مشترک تقسیم می شوند. کیفیت غیر مشترک آنست که در اجسام گوناگون مختلف می باشد و قابل مقایسه نیستند مثل رنگ و بو. اما کیفیت مشترک در همه اجسام وجود دارد و قابل مقایسه با هم است مثل سنگینی و سبکی. اگر به صورت فرضی ارکان در ستونی کنارهم قرار گیرند، به ترتیب سبکی و سنگینی از یکدیگر مجزا خواهند شد، به طوری که آتش در بالا، سپس هوا، سپس آب و در پایین خاک خواهد ایستاد. به بیان دیگر آتش: سبک مطلق، هوا: سبک نسبی، آب: سنگین نسبی، خاک: سنگین مطلق.

از دیدگاه طب سنتی ایران، هر کدام از این ارکان کیفیت خاصی دارند. طبق نظر ابن سینا کیفیت ها به دو نوع فاعله و منفعله تقسیم می شوند. کیفیت فاعله خاصیت تأثیر گذاری بر سایر کیفیات را دارد و شامل حرارت و برودت (گرمی و سردی) است و کیفیات منفعله از کیفیات فاعله تأثیر پذیری دارد و شامل رطوبت و یبوست (تری و خشکی) است. به عنوان مثال، حرارت باعث ایجاد خشکی می شود و بر اثر سردی، رطوبت پدید می آید. در هر کدام از ارکان یک کیفیت به نهایت خود می رسد. آتش نماد شدت گرمی، هوا نماد حداکثر تری، آب نماد شدت سردی و خاک نماد نهایت خشکی است. علاوه بر این هر کدام از عناصر، یک کیفیت مغلوب و پنهان نیز دارند. لذا کیفیات آتش گرمی و خشکی، آب سردی و تری، هوا گرمی و تری و خاک سردی و خشکی می باشد.

حکما برای هر یک از ارکان وظیفه ای در عالم بر شمرده اند. مثلاً کار خاک عنصری ایجاد پایداری، شکل دهی و حفظ اشکال است. وظیفه آب عنصری، شکل پذیر کردن و ایجاد قابلیت انعطاف در اجسام است. پس هر چه میزان آن بیشتر باشد، سیالیت جسم بیشتر است. هوای عنصری باعث ایجاد تخلخل و افزایش لطافت و سبکی اجسام است. وظیفه آتش عنصری، ایجاد لطافت، سبکی و کاهش سردی است و به این ترتیب موجودی که آتش عنصری بیشتری دارد حرکت بیشتر دارد. به عنوان مثال چدن خاک عنصری بیشتری دارد، پس کیفیت خشکی آن بیشتر و در نتیجه محکم تر، اما شکننده تر است. ولی در فولاد هوای عنصری زیادتر است، پس خاصیت انعطاف بیشتری از چدن دارد.⁹

۵-۲- طب سنتی چین

در طب چینی هر یک از این حوزه ها، موید یک الگوی ویژه حرکت و تغییر دائمی در طبیعت هستند. در این تئوری اعتقاد بر این است که هر چیز در دنیا، متعلق به یکی از حرکات و یا تغییرات این حالات پنج گانه است. در طب چینی چوب خم و راست می شود و نمادی از رشد، بلند شدن و فوران است. آتش به سمت بالا شعله می کشد، همه چیز را گرم می کند و حرکتش به سوی بالا است. زمین نمادی از تولید و درو کردن محصولات کشاورزی است. فلز نمایانگر تغییرات است و کیفیت تخلیص و پاک سازی و ترمیم را دارد و در آخر آب مرطوب است و رطوبت بخشی، سرما و جریان به سمت پائین دارد. به عبارتی اعتقاد بر این است که تغذیه بر آب و آتش استوار بوده، تولید به چوب و فلز وابسته است و زمین (خاک) به همه چیز تولد می بخشد¹⁰. در واقع در طب چینی از کیفیت مانند طب ایرانی سخنی به میان نیامده، بلکه بیشتر از هر چیزی به حرکت و تغییرات در پدیده های طبیعی و ارتباط آنها با بدن انسان توجه شده است.

مقایسه: اثرات ارکان در عالم، از دیدگاه طب سنتی ایران، بیشتر ناشی از کیفیت آنها می باشد. در حالی که در طب چینی مفهوم کلی کیفیت (مانند طب سنتی ایران) برای عناصر ذکر نشده، بلکه برای هر یک از این عناصر، اثراتی قائل می باشند. اثراتی که از عناصر آتش و آب در دو مکتب طبی یاد می شود، تطبیق زیادی با هم دارند. در بین تعریف عنصر خاک نیز در بین دو مکتب طبی شباهت هایی وجود دارد. علاوه بر این عنصر هوا تا حدی نزدیک به عنصر چوب در طب سنتی چین است. ولی عنصر فلز در طب سنتی چین خصوصیتی از عنصر خاک در طب سنتی به همراه بعضی از کیفیات حرارت را دارد.



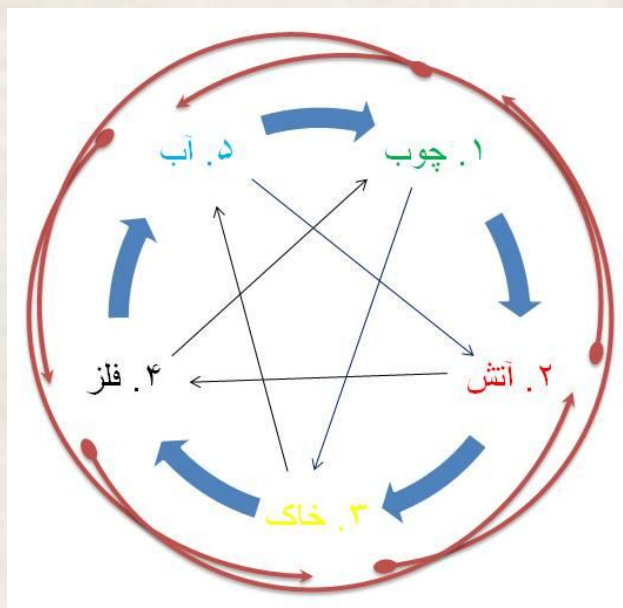
۶- ارتباط با یکدیگر ۱-۶- طب سنتی ایران

در طب ایرانی عموماً ارکان از دیدگاه کیفیات خود بر هم اثر می‌گذارند. مثلاً گرمی آتش می‌تواند سردی آب را بشکند و خشکی آن موجب خشک نمودن رطوبات اشیا مرطوب شود. سردی آب موجب تسکین حرارت آتش و زوال آن و غلظت و انجماد می‌شود. اما تری آن باعث آسانی قبول و ترک اشکال خشک و منجمد می‌گردد. گرمی هوا لطافت و خفت ایجاد کرده، تری آن چون آب موجب سهولت در قبول و ترک اشکال می‌گردد. سردی خاک انجماد و صلابت در اشیا گرم و روان را موجب شده و خشکی آن قبول و ترک اشکال را دشوار می‌کند^۷. با این حال حکما معتقد بودند که ارکان در عالم، دائماً در حال تغییر و استحاله به هم می‌باشند^۹.

مفهوم دیگری که در باب تأثیرپذیری ارکان بر هم وجود دارد، بحث مزاج است. در تعریف مزاج، آمده است که هرگاه ارکان بر هم اثر کنند تا (اجسام حاوی کیفیات) به یک نقطه تعادل برسند، مفهوم مزاج شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، مزاج کیفیتی یکسان است که از در هم آمیختن ارکان با یکدیگر و فعل و انفعال آنها در یک جسم مرکب به وجود می‌آید. به این معنی که ارکان می‌توانند با نسبت‌های مختلف با هم ترکیب شده و جسم مرکب ایجاد کنند^۷.

۲-۶- طب سنتی چین

در طب چینی تأثیر و تأثر حالات بر هم زیاد و مهم است. رابطه‌هایی میان پنج عنصر وجود دارد که شامل: ۱- تولید (inter promoting) یا مادر و پسر ۲- کنترل متقابل (inter acting, inter controlling) ۳- تخریب (over acting) ۴- تجاوز (counter acting) می‌باشد. دو رابطه ۱ و ۲ فیزیولوژیک و رابطه ۳ و ۴ پاتولوژیک هستند. در شکل (۱) درونی‌ترین فلش‌ها موید رابطه ۲ و ۳، فلش‌های خارجی نشانگر رابطه ۴ و فلش‌های میانی رابطه ۱ را نشان می‌دهد^{۱۰}.



تصویر ۱- ارتباط فیزیولوژیک و پاتولوژیک پنج عنصر در طب چینی

به شرح مختصری از این روابط می‌پردازیم:

۱- اصل تولید: به این معنی است که هر عاملی، در عین حال که خود زائیده از عامل قبلی بوده و پسر آن است، مادر عامل بعدی اش در چرخه عناصر می‌باشد. این رابطه الزاماً تولیدی نیست و گاهی تأثیر ترویجی و توسعه‌ای را نیز ایفا می‌نماید. مثلاً آب که سبب پیدایش جنگل می‌شود، مادر و جنگل

(چوب)، پسر است. اما از طرفی چوب موجب ایجاد آتش می شود. پس چوب، مادر آتش و آتش، پسر چوب است و به همین ترتیب ادامه دارد. در این رابطه تولید به مفهوم خاص توالت نیست، بلکه معانی تغذیه، تحریک، نگهداری و یا کمک هم می دهد. مثال ملموس تر آن، رابطه چوب و آتش است. چوب آتش را شعله ور می کند. پس آتش زائیده چوب است. اما خاک یا همان زمین، زائیده آتش (آتشی که تبدیل به خاکستر می شود یا اینکه کره زمین قبل از سرد شدن، گوی گداخته آتشین بوده است) است. هر چه مقدار خاک بیشتر باشد، فلز بیشتری در آن یافت می شود و تمام معادن فلزات در دل خاک جای دارند. فلز اگر حرارت ببیند، ذوب گشته تبدیل به مایع شده و همانند آب روان می گردد. از طرف دیگر آب، مایه رشد درخت و تولید چوب است. این چرخه همواره دوام دارد و این توالی را sheng (شنگ) گویند¹⁰.

۲- اصل کنترل متقابل: نشان می دهد که هر عنصری هم کنترل کننده و هم کنترل شونده است. چنانکه در شکل (۱) می بینید آب، آتش را خاموش می کند. آتش فلز را ذوب می کند و فلز (مثل اره یا تبر که درخت ها را قطع می کند)، مخرب چوب است. ریشه درختان (چوب) در خاک فرو رفته و آن را نگاه می دارد و خاک آب را جذب می کند. با این دیدگاه، آب آتش را کنترل کرده و خودش توسط خاک کنترل می شود. این توالی متضاد را چرخه ko (ک) می گویند.

sheng و ko دو رابطه و همکاری حتمی و جدانشدنی دارند که متضاد هم می باشند، در صورتی که هر کدام از پنج عنصر افزایش یا کاهش داشته باشند، این دو به شکل رابطه ۳ یا ۴ در می آیند که پاتولوژیک هستند¹⁰.

۳- اصل تخریب: یعنی ماده ای سبب تخریب ماده دیگر شود. به عبارتی رابطه ۲ به شکل افراطی باشد که کنترل کننده قوی، موجب تخریب کنترل شونده گردد. مثلاً تراکم زیاد درختان در جنگل به نابودی خاک می انجامد و خاک می تواند آب را خراب کند و آب آتش را خاموش می کند¹⁰.

۴- اصل تجاوز: در این اصل رابطه ۲ بر عکس می شود. یعنی در واقع کنترل کننده یا فاعل، ضعیف شده و در نتیجه توسط کنترل شونده مورد تهاجم قرار می گیرد. مثلاً آب که آتش را کنترل می کند، به علت ضعفش مورد تجاوز آتش قرار گیرد. در این رابطه، اصل اول و دوم هر دو مختل شده است. این اصل هم بیماری محسوب می شود¹⁰.

مقایسه: ارتباط ارکان در طب سنتی ایران، عمدتاً با واسطه اثرات متقابل کیفیات آنها صورت می گیرد. ترکیب و استحاله ارکان نیز با هم مورد قبول واقع می شود. اما در طب سنتی چین، این ارتباطات، مهم تر و تأثیرگذارتر در نظر گرفته می شود. این ارتباطات در قالب چهار اصل تولید، کنترل متقابل، تخریب و تجاوز بیان شده که به طور مستقیم تفسیرکننده فیزیوپاتولوژی بیماری می باشد، امری که در طب سنتی ایران، با واسطه کیفیات و مزاج صورت می گیرد. به عبارت دیگر شاید بتوان این ارتباطات را نزدیک به مفاهیم مزاجی در طب سنتی ایران دانست.

۷- ارتباط با اعضای بدن انسان

۷-۱- طب سنتی ایران

از دیدگاه طب سنتی ایران، اعضا از بخش متین (غلیظ) اخلاط به وجود می آیند. با این توضیح که اخلاط به عنوان اجسامی که از هضم دوم (کبدی) غذا حاصل می شوند، چهار نوع هستند که هر کدام کیفیات مشابه یکی از ارکان را دارند. به عنوان مثال، خلط دم را گرم و تر می دانند که کیفیتی مشابه کیفیت عنصر هوا دارد. صفرا گرم و خشک بوده و دارای کیفیتی مشابه عنصر آتش می باشد. خلط بلغم، سرد و تر و کیفیت آن مثل کیفیت آب عنصری و در نهایت، کیفیت خلط سودا سرد و خشک و همانند عنصر خاک است. اعضای بدن انسان در ایجاد و بقا، به این اخلاط نیازمندند⁷⁻⁹.

هر کدام از این اخلاط، عمدتاً مسئول تغذیه اعضای بدن انسان هستند که کیفیت مشابه به آن را دارند. اعضا به میزان نیاز، وظیفه و تناسب مزاجی خود، از اخلاط برداشت می کنند. مثلاً وظیفه غذاهای به ریه (به علت کیفیت گرمی و خشکی آن) عمدتاً بر عهده خلط صفرا است که کیفیاتی شبیه به آتش دارد.



استخوان (که کیفیتی سرد و خشک دارد)، بیشتر از سودا استفاده می کند تا ثبات و استحکام بیشتری داشته باشد، بلغم غذای بعضی اعضا با کیفیت سردی و تری، مانند دماغ و نخاع و اعصاب است. خون نیز که افضل و اشرف همه اخلاط است، تغذیه و تنمیه (نمو و رشد) بدن را به عهده دارد⁹⁻⁷.

۷-۲- طب سنتی چین

در این مکتب طبی برای هر یک از ارگانهای بدن، خصوصیتی منطبق بر دو تئوری اولیه قائل هستند. اول از همه بر اساس نظام قطبیتی مطرح شده، یعنی با ذات Yin و Yang مورد طبقه بندی قرار می گیرند، و در مرحله دوم هر عضو بر اساس عملکرد و خصوصیات تعریف شده، به یکی از حالات (یا عناصر به تعبیر طب سنتی ایرانی) پنج گانه منتسب می گردند.

در این طب، آناتومی بدن عمدتاً بیش از آنکه تشریحی و عینی باشد، عملکردی بوده و اعضای داخلی بر همین مبنا، تقسیم بندی می شوند. در اینجاست که تئوری و مفهوم زانگ-فو شکل می گیرد.

"زانگ" به معنی ارگانهایی است که داخل بدن مخفی بوده و شامل قلب، کبد، طحال، کلیه، ریه، و پریکارد می باشند. اینها ارگانهای توپر بوده که کار تولید و نگهداری مواد ضروری (essential substances) مثل خون، چربی (یا انرژی حیاتی)، مایعات بدن و جوهر حیاتی (vital essence) را به عهده دارند.

قلب و ریه، خون و کلیه، جوهر حیاتی را ذخیره می کند. طحال هم وظیفه کنترل خون را برعهده دارد. این ارگانها، چی Qi ذاتی را تغییر می دهند. علاوه بر این ارگانها، چون پریکارد لایه محافظ قلب (به عنوان یکی از مهم ترین اعضای بدن) است، آنرا هم به عنوان ارگان ششم زانگ در نظر می گیرند.

۶ ارگان روده بزرگ، روده کوچک، معده، کیسه صفرا، مثانه و سن جیوا را ارگانهای "فو" می نامند. غیر از کیسه صفرا بقیه آنها به شکل لوله ای بوده و بهتر است که مرتب تخلیه شوند. وظیفه اصلی ارگانهای فو، دریافت و هضم غذا و نیز انتقال و دفع سموم و ضایعات ارگانهای بدن می باشد.

در واقع هر عضو زانگ با یک عضو فو رابطه دارد. مثلاً کبد و کیسه صفرا با هم مرتبط بوده و در ضمن، هر دوی آنها با عنصر چوب در ارتباطند. عضو زانگ مرتبط با آتش، قلب و ارگان فوی آن، روده کوچک می باشد. عضو زانگ مرتبط با زمین، طحال و ارگان فوی آن معده می باشد. عنصر فلز با ریه و روده بزرگ و عنصر آب با کلیه و مثانه ارتباط دارد. در این چرخه همانطور که گفته شد رابطه مادر و فرزندی هم بین اعضا حکمفرماست. مثلاً چوب و عناصر مرتبط با آن (کبد و کیسه صفرا) مادر و آتش و عناصر مرتبط با آن (قلب و روده کوچک) به عنوان پسر در نظر گرفته شده و رابطه تولید بین آنها برقرار است.¹³

مقایسه: در طب سنتی ایران، ارتباط بین عناصر با اعضا، عمدتاً بر مبنای کیفیت و مزاج تعریف شده است. اما اعضا در طب سنتی چین، بر مبنای عملکرد و تئوری زانگ و فو با ارگان ارتباط دارند. نکته در این است که در بعضی اعضا مانند قلب (نماد آتش) و طحال (نماد زمین) شباهت هایی در دو مکتب طبی وجود دارد که به نظر می رسد تفاوتها در این مسأله بیش از شباهتها باشد.

در پزشکی ایرانی چهار عنصر خاک، آب، آتش و هوا دارای طبیعت سرد، تر، خشک و گرم هستند که این خصوصیات می تواند در هر نقطه ای از بدن وجود داشته باشد و محدود به حوزه یا محل خاصی نیست. ولی در طب چینی پنج حالت در هر جایی از بدن نیستند، بلکه یک دامنه یا حوزه یا بخشی از بدن را تحت کنترل قرار می دهند و از این حیث با پزشکی ایرانی تفاوت دارند.

۸-۱- ارتباط با سن

۸-۱- طب سنتی ایران

انسان در سن کودکی نماد گرمی و تری است که به نوعی با عنصر هوا مرتبط است. در سن جوانی بدن رو به گرمی و خشکی می رود که نزدیکی با کیفیت عنصر آتش پیدا می کند. در میانسالی عنصر خاک بر بدن حاکم شده و بدن رو به سردی و خشکی می رود و در پیری سردی و خشکی به حداکثر خود می رسد. اما به علت ضعف هضم، تری بر بدن غالب می شود و مزاج آب (سردی و تری) را به دست می آورد.⁷



۸-۲- طب سنتی چین

در طب چینی شروع و تولد با عنصر آب، رشد و نمو با چوب، بلوغ با آتش و دوره ای از زندگی که انسان تفکر صحیح دارد و با تجربه است، به فلز مربوط می شود. پس از آن با مرگ که نمادی از آب و جریان به سمت پائین است، خاتمه می یابد. به این ترتیب سیکلی از آب چشمه آغاز و مانند چرخه آب در طبیعت دوباره بعد از رسیدن به نقطه اوج، به دریا ختم می شود⁹.

مقایسه: کیفیت دوران جوانی (آتش) و دوران کهنسالی (آب)، در دو مکتب طبی، تا حدی نزدیک به هم پنداشته می شود. هر دو مکتب طبی، حداکثر رطوبت را در زمان کودکی در نظر می گیرند. در سایر موارد، تطبیق و تشابه زیادی وجود ندارد.

۹- ارتباط با خصوصیات روحی و روانی

۹-۱- طب سنتی ایران

در این مکتب طبی، خشم و هیجان گرمی و خشکی ایجاد می کند و شاید بتوان به آتش عنصری منتسب کرد. لذت و شادی و نیز نگرانی، ایجاد گرمی می کند که می تواند نماد هوا و آتش عنصری باشد. ترس با کیفیت سردی ارتباط دارد. افسردگی و غم نیز با سردی و خشکی مرتبط است که نماد خاک می باشد. از این کیفیت ها در تدابیر حفظ سلامتی و یا درمانی استفاده می شود. مثلاً شخصی که مزاج گرم و خشک دارد، بهتر است کمتر در معرض هیجان و خشم باشد⁷⁻⁹.

۹-۲- طب سنتی چین

در طب چینی نیز، هر حالت با یکی از هیجانان روانی عاطفی در ارتباط است. مثلاً چوب با عصبانیت، آتش با شادی، زمین با نگرانی و فلز با غم و آب با ترس مرتبط اند. این ارتباط نیز در فیزیولوژی و پاتولوژی بیماری ها در طب چینی حائز اهمیت است. مثلاً افراد با عصبانیت مفرط، مستعد بیماریهای کبدی هستند یا شادی زاید الوصف منجر به اختلالات قلبی می گردد.

مقایسه: همانند موارد گذشته، اکثر حالات روحی با واسطه مزاج با ارکان در طب سنتی ارتباط برقرار می کنند. در حالی که این ارتباط در طب چینی مستقیم و بی واسطه می باشد. با این حال، ارتباط شادی با آتش در طب چینی، از این حیث که گرما را در آن دخیل می دانند، مشابه طب سنتی ایران می باشد. ارتباط آب با ترس نیز در این موارد مشابه است¹⁰.

۱۰- ارتباط با زمان

۱۰-۱- طب سنتی ایران

در طب سنتی ایرانی، کمتر بر ارتباط بین ارکان و زمان ها تصریح شده است. با این حال شاید بتوان بر مبنای تشابه کیفیات، تابستان را نماد گرمی و خشکی و معادل رکن آتش دانست، به همین ترتیب بهار گرم و تر با هوا، پاییز با طبع سرد و خشک با خاک و زمستان سرد و تر با آب ارتباط دارد⁷⁻⁹.

۱۰-۲- طب سنتی چین

در طب چینی ارتباط آتش با تابستان و خاک با آخر تابستان به صراحت آمده و ذکر شده که آب با زمستان، فلز با پاییز و چوب با بهار مرتبطند. مازاد بر این طول هر شبانه روز به ۱۲ بخش ۲ ساعته تقسیم می شود که هر بخش متعلق به یک عضو خاص از ۱۲ اعضا مذکور (۶ تا Zang و ۶ تا Fu) میباشد پس برای تاثیر بیشتر درمان در ساعت اختصاصی آن عضو عمل می کنند¹⁰.

مقایسه: ارتباط تابستان با آتش، زمستان با آب از مشترکات این دو مکتب می باشد.

۱۱- ارتباط با مزه ها

۱۱-۱- طب سنتی ایران

در طب ایرانی مزه ها نیز دارای کیفیت هستند. به طوری که تند، تلخی و شوری گرم و خشک اند. پس عنصر آتش در آنها غلبه دارد، ماده بیمزه، سرد و تر



و ترشی، سرد و خشک است و در مواد با طعم ترش جوهر خاکی بیشتری وجود دارد. طعم شیرین، گرم و تر است.⁷

۱۱-۲- طب سنتی چین

از آنجاییکه در طب چینی هم مانند طب ایرانی پیشگیری و درمان با غذا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است هر عنصری با مزه خاصی در ارتباط است. مثلا مزه مرتبط با آتش، تلخی و مزه مرتبط با آب، شوری است. عنصر خاک با شیرینی و فلز و چوب، به ترتیب با تندی و ترشی مرتبطند.¹³

مقایسه: به نظر می‌رسد مزه تلخی در دو مکتب طبی مشابه می‌باشد. ولی بقیه مزه‌ها شباهت چندانی با هم ندارند.

۱۲- ارتباط با رنگ‌ها

در طب ایرانی از استدلال به رنگ، در تعیین مزاج افراد و داروها استفاده می‌شود. اما رنگها در تشخیص، قطعی نبوده و اغلب نسبی هستند. با توجه به اینکه شکل گیری مزاج از ترکیب ارکان می‌باشد، شاید تا حدودی بتوان از رنگ به کیفیت و در نتیجه عنصر غالب آن پی برد. رنگ سفید اکثرا دلالت بر سردی و تری دارد (مثل آنچه در برف مشاهده می‌شود)، رنگ سیاه، سردی و خشکی و سرخ علامت گرمی و رطوبت است و در آخر زرد میل به سمت گرمی و خشکی را نشان می‌دهد.⁸

اما در طب چینی اطلاق رنگها به ارکان قطعی تر بوده و پذیرفته شده تر است به طوری که رنگ قرمز نشانه عنصر آتش و سبز نشانه چوب است. عنصر فلز را مرتبط با رنگ سفید و عنصر آب و خاک رابه ترتیب با سیاه و زرد مرتبط می‌دانند.¹⁰

مقایسه: در طب چینی تطبیق رنگها و ارکان با طب ایرانی کاملا متفاوت بوده و تشابهی در تطبیق آنها موجود نیست.

بحث

در مقایسه بین این دو تئوری به نظر می‌رسد که این تئوری در هر دو مکتب طبی، خاستگاه نظری و فلسفی دارند. در هر دو اعتقاد به وجود نوعی فراماده وجود دارد. با این تفاوت که دیدگاه طب ایرانی توحیدی (نه الزاما اسلامی) و طب چینی بیشتر ماورائی است. تعداد ارکان در طب سنتی ایرانی چهار و شامل آتش، هوا، آب و خاک می‌باشد. اما تعداد آن در طب چینی پنج تا است که آب و خاک و آتش آن با طب ایرانی مشترک بوده و در چوب و فلز، تفاوت دارد.

در تعریف ارکان طب سنتی ایرانی، به کیفیات آنها توجه فراوانی شده و از لحاظ تاثیر و تاثر به دو دسته فاعله و منفعله تقسیم می‌شوند و اثرگذاری آنها بر یکدیگر از باب همین کیفیات است. با این حال در متون طب سنتی ایران، تصریح بر ارتباط بین ارکان با مواردی از قبیل سن، مزه، جهت‌های جغرافیائی و اعراض نفسانی نشده است، بلکه اکثرا این موارد با واسطه مفهوم مزاج بیان می‌گردد. به این معنا که در دیدگاه طب سنتی با فعل و انفعال ارکان بر هم، کیفیت یکسانی ایجاد می‌شود که مزاج نام می‌گیرد و حاوی کیفیات‌های ارکان است. آنگاه هر یک از کیفیات مزاجی با موارد ذکر شده (سن و مزه و ..)، ارتباط پیدا می‌کنند. ما در این مقاله برای امکان تطبیق بیشتر با طب چینی، مشابهت کیفیات‌های مزاجی هر کدام از این موارد را با ارکان ایجاد کننده آن کیفیت‌ها، حمل بر ارتباط نموده ایم. مثلا مزه ترشی را که کیفیت سردی و خشکی دارد را با عنصر خاک مرتبط دانسته ایم.

اما در طب چینی، ارکان در فرایندی پویا بر یکدیگر اثر گذارند که این چرخه از مهم ترین پایه‌های طب چینی در تشخیص و درمان بیماری‌ها است. ارتباط ارکان با اعضا در طب ایرانی بیشتر بر پایه کیفیات و مزاج است. اما در طب چینی ارتباط اعضا با عناصر، از مبانی مهم در تشخیص و درمان بیماری‌ها به حساب می‌آید. در ارتباط ارکان و سن باید گفت که در طب ایرانی و چینی، جوانی منطبق با آتش بوده و نیز سن رشد با غلبه تری بر بدن و در نتیجه رشد و نمو بدن است. اما در سنین پیری، وجود تری دال بر رشد و نمو نیست. بلکه در طب ایرانی وجود رطوبتی غریبه و در طب چینی بازگشت به نقطه شروع برای اتمام زندگی تعبیر می‌شود. به



این معنی که انسان از بدو تولد در همان چرخه ارکان که مرتبط با سنین مختلف است قرار دارد. همینطور تطبیق جوانی با آتش در هر دو طب مشترک است. در ارتباط ارکان با حالات روانی یا اعراض نفسانی، در طب ایرانی با واسطه مزاج می توان این ارتباط را برقرار کرد. اما در طب چینی هر کدام از عناصر با یکی از اعراض مرتبط است و در ذکر تشابه می توان از شادی و آتش و تا حدودی آب و ترس در این دو طب سخن گفت و مابقی اعراض تشابهی ندارند. در مورد فصول و ارکان در طب ایرانی به صراحت سخنی گفته نشده و به واسطه مزاج ارتباطی حاصل می شود. اما در طب چینی فصول به طور مستقیم با ارکان ربط دارند و به این ترتیب تشابهی در تطبیق آب با زمستان، آتش با تابستان و خاک با پائیز در طب ایرانی و اواخر تابستان در طب چینی وجود دارد. در طب ایرانی و چینی بین مزه ها و ارکان ارتباطی وجود دارد و در این میان تنها مزه تلخ است که در هر دو طب با عنصر آتش ربط دارد و بقیه طعوم متفاوتند. در طب ایرانی در مباحث دارویی از ارتباط رنگها و مزاج بحث شده است، اما کمتر به ارتباط آن با عناصر اشاره شده است. اما ارتباط ارکان با رنگها در طب چینی به طور صریح ذکر شده است. جدول شماره ۱ نشان دهنده تشابهات و اختلافات ارکان طب ایرانی و طب چینی است.

جدول ۱- تشابهات و اختلافات ارکان طب سنتی ایران و طب سنتی چین

عضو مرتبط	طب سنتی ایران				طب سنتی چین				
	آتش	آب	خاک	هوا	آتش	آب	خاک	فلز	چوب
قلب	قلب	مغز	استخوان	کبد	قلب و روده کوچک	کلیه و مثانه	طحال و معده	ریه و روده بزرگ	کبد و کیسه صفرا
خصوصیت	گرم و خشک- ایجاد لطافت و سبکی	سرد و تر- شکل پذیری و انعطاف	سرد و خشک- ایجاد پایداری و شکل دهی	گرم و تر- ایجاد تخلخل و لطافت زیاد	گرم و حرکت به سمت بالا	سرد و حرکت به سمت پایین	رطوبت و زندگی بخشیدن به هر چیز	حرکت نزولی و شفاف سازی	رشد و نمو و مرتبط با باد
فصل و سن مرتبط	تابستان و جوانی	زمستان و پیری	بهار و کوهولت	بهار و طفولیت	تابستان	زمستان	آخر تابستان	پائیز	بهار
اعراض نفسانی	خشم و هیجان	ترس	افسردگی و غم	نگرانی شادی و لذت	شادی و لذت	ترس	نگرانی	غم و اندوه	عصبانیت
مزه	تلخ، شور و تند	بی مزه	ترش	شیرین	تلخ	شور	شیرین	تند	ترش
بافت مرتبط	عروق	اعصاب	اعصاب	ماهیچه	عروق	استخوان	ماهیچه	پوست و مو	رباط
ارگان حسی	-	-	-	زبان	گوش	دهان	بینی	چشم	
موقعیت جغرافیایی	جنوب	شمال	وسط	غرب	شرق				
مزاج مرتبط	گرمی و خشکی	سردی و تری	سردی و خشکی	گرمی و تری	-	-	-	-	-
خلط مرتبط	صفرا	بلغم	سودا	دم	-	-	-	-	-

نتیجه گیری

در طب سنتی ایران با تعیین کیفیت های اربعه (گرمی، سردی، تری و خشکی)،



از این کیفیات که ناشی از اثر ارکان شمرده می شود، تحلیل حالات سلامت و بیماری انسان ها انجام می گردد. در طب سنتی ایران، مفهوم مزاج واسطه بین کیفیات ارکان با خصوصیات پدیده ها می باشد. مزاج ها حامل کیفیت های عناصر می باشند که در اشیاء عالم تظاهر می یابند، اما در طب سنتی چین، ارکان همراه با پدیده های مرتبط با آن، در پنج مجموعه (همراه با تسلسل و روابط پویا بین آنها) قرار می گیرند، که البته شاید بتوان روابط مفصل بین آنها را نزدیک به کارکردهای بحث مزاج در طب سنتی ایران برشمرد که به تحقیق و مطالعه بیشتری نیاز دارد.

قیاس های تطبیقی بین مبانی مکاتب طب سنتی، به انگیزه تأیید یا نفی هر یک از آنها انجام نمی پذیرد، بلکه با هدف یافتن نکات مشترک بین این مکاتب برای تسهیل هم افزایی علمی آنها صورت می گیرد. از مقایسه بالا چنین بر می آید که این دو طب در اساس منافات و تضادی نداشته و تنها در بعضی از نکات اختلافاتی دارند، که نیاز به مطالعه و بررسی بیشتر خصوصا در بالین بیماران دارد، چه بسا از تلفیق هر دو و منظور کردن همین تشابهات و اختلافات نتایج سودمندی عایدمان گردد.

References

- Aghili Khorasani MH. *Summary of Wisdom [KholasatAlhekma]*. Tehran; IsmaeilianPublications; 2006. [in Persian]
- Arzani AA. [*Mofarah Al-Gholob*]. 1st ed. Tehran: Institute of Medical History, Complementary and Islamic Medicine, Tehran Universityof Medical Sciences; 2007. [in Persian]
- Avicenna. [*Al Qanun Fil Tibb*]. Beirut: Al Aalami Pub; 2005. [in Arabic]
- Cooper KL, Harris PE, Relton C, et al. Prevalence of visits to five types of complementary and alternative medicine practitioners by the general population: a systematic review. *Complement Ther Clin Pract*. 2013; 19(4):214-20. [in English]
- Ergil MC, Ergil KV. *Pocket Atlas of Chinese Medicine*. Thieme; 2011. [in English]
- Felt RL. *The Ancient History of Chinese Medicine*. URL: <http://www.paradigm-pubs.com/html/background> [in English]
- Fischer F, Lewith G, Witt C, Linde K, von Ammon K, Cardini F, et al. High prevalence but limited evidence in complementary and alternative medicine: guidelines for future research. *BMC Complementary and Alternative Medicine*. 2014; 14(1):46. [in English]
- Harris PE, Cooper KL, Relton C, et al. Prevalence of visits to massage therapists by the general population: a systematic review. *Complement Ther Clin Pract*. 2014; 20(1):16-20. [in English]
- Herman PM, Craig BM, Caspi O. Is complementary and alternative medicine (CAM) cost-effective? A systematic review. *BMC Complement Altern Med*. 2005;5:11. [in English]
- Levitt S. The five taoist elements fire, Earth, Metal, Water and Wood. *Feng Shui Journal*. 1998;4(1): 22-25. [in English]
- Macioca G. *The Foundation of Chinese Medicine: A Comprehensive Text for Acupuncturists and Herbalists*. Second Edition. China: Churchill Livingstone. 2005. [in English]
- Patwardhan B, Warude D, Pushpangadan P, et al. Ayurveda and traditional Chinese medicine: a comparative overview. *Evid Based Complement Alternat Med*. 2005;2(4):465-73. [in English]
- Posadzki P, Alotaibi A, Ernst E. Prevalence of use of complementary



and alternative medicine (CAM) by physicians in the UK: a systematic review of surveys. *Clin Med*. 2012;12(6):505-12. [in English]

Sivin N. U.o.M.C.f.C. Studies, Traditional Medicine in Contemporary China: A Partial Translation of Revised Outline of Chinese Medicine (1972): with an Introductory Study on Change in Present Day and Early Medicine 1987: Center for Chinese Studies, University of Michigan. [in English]

Sivin N. "Huang-ti nei-ching 黃帝內經". In Loewe, Michael. Loewe M. Early Chinese texts: a bibliographical guide: Society for the Study of Early China; 1993; pp. 196–215. [in English]

Velayati A. An introduction to the history of medicine in islam and iran. *Medical Journal of the Islamic Republic of Iran*. 1992;6(3):23-8. [in Persian]

WHO. Traditional medicine strategy. 2014-2023 .Geneva, World Health Organization, 2004. (WHO/EDM/TRM/2014) [in English]

Xinnong Ch. *Chinese Acupuncture and Moxibustion* (Revised Edition). China: Foreign Language Teaching and Research Press. 2010. [in English]

Xue CC, Zhang AL, Lin V, et al. Acupuncture, chiropractic and osteopathy use in Australia: a national population survey. *BMC Public Health*. 2008;8:105. doi:10.1186/1471-2458-8-105. [in English]

